بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه95...12/11/1399

( فصل فی المطهرات : الاستحالة - آیا به تبدل و تفرق استحاله اطلاق می شود ؟ - اقوال در مساله )

یکی از مباحث باب استحاله تبدّل و تفرق است ، تبدل یعنی تغییر اوصاف نه تغییر نوعیه مثلا گندم نجس آرد شود یا آرد نجس خمیر شود و یا خمیر نجس تبدیل به نان شود یا شیر نجس تبدیل به پنیر شود ، اما تفرق یعنی پراکنده شدن اجزای نجسه مثلا یک جا غائط کرد و رفته رفته پخش شده یا مردار از هم جدا شده و اجزایش متفرع شده ، هیچکدام از اینها حکم استحاله را ندارند ، مهم این است که درباره مطهریت آن دو قول است :

قول اول : اکثر فقها تبدیل اوصاف و تفرق اجزای نجسه را مطهر نمی دانند لذا نان پاک نیست اگر خمیر آن نجس باشد چون موضوع عوض نشده و اگر شک کنیم استصحاب بقای نجاست جاری است ، آن تبدیل و تفرقی مطهریت می آورد که موضوع را تغییر بدهد نه وصف را ، بالاخره پنیر همان شیر است یا نان همان آرد است یکی پخته شده و این پخته نشده ،

علاوه بر استصحاب فوق روایاتی درباره جواز و عدم جواز فروش پنیر نجس ، خمیر نجس یا نان نجس و گندم نجس وارد شده است مستفاد از این روایات این است که این اشیای نجسه را حق ندارید بفروشید مگر به کسانی که خوردن نجس است حلال می دانند مثل کفار و یهودی و مسیحی ، مقتضای این روایات این است که در مثالهای فوق پاک نمی شود چون اگر پاک می شد جایز بود به مسلمانان فروخته می شد إما اجازه داده نشده است

روایت اول : مرسله عن ابن أبي عمير، عن حفص بن البختري، عن أبي عبد الله عليه السلام في العجین من الماء النجس كيف يصنع به؟ قال علیه السلام: يباع ممن يستحل الميتة که سوال درباره خمیری که از اب نجس ، خمیر شده است با این خمیر چکار باید کرد کیف یصنع به ؟ قال علیه السلام یباع ممن یستحل المیتة به کسانی که خوردن اینها را حلال میدانند بفروشید وسائل الشیعه باب ۱۱

روایت دوم همین باب :عین همین سوال را ابن عمیر نقل می کند اما امام علیه السلام میفراید یُدفن و لا یباع

روایت سوم : عن زكريا بن آدم قال: سألت أبا الحسن (عليه السلام) عن قطرة خمر أو نبيذ مسكر قطرت في قدر فيه لحم كثير ومرق كثير، قال: يهراق المرق، أو يطعمه أهل الذمة، أو الكلب واللحم اغسله وكله. قلت: فإنه قطر فيه الدم، قال: الدم تأكله النار، إن شاء الله. قلت: فخمر أو نبيذ قطر في عجین أو دم؟ قال: فقال: فسد، قلت: أبيعه من اليهود والنصارى وأبين لهم؟

قال علیه السلام : نعم، فإنهم يستحلون شربه، قلت: والفقاع هو بتلك المنزلة إذا قطر في شئ من ذلك؟ قال: فقال: أكره أن آكله إذا قطر في شئ من طعامي. .در خبر زکریا ابن آدم ره ایشان می گوید که یک قطره خمر یا نبیذ در خمیر نان بیفتد تکلیف ما چیست ؟ فقال علیه السلام فسد یعنی دور انداخته شود گفتم آیا به یهودی و نصاری می شود فروخت ؟ قال علیه السلام نعم .... ، وسائل باب ۳۸ من ابواب النجاسات ح ۸

روایت چهارم : قال علیه السلام انها من فیئ جهنم این شراب شعله جهنم است و إن قَط‍َر خمر او نبیذ فسد که اگر یک قطره آنها در خمیر بیفتد خمیر فاسد شده إما اشکالی ندارد به یهودی و نصاری بعد از اینکه ابلاغ کردید بفروشید من لایحضره الفقیه ج ۱

قول دوم : از مرحوم شیخ در نهایه و استبصار نقل شده که ایشان حکم به طهارت این اشیاء فوق کرده اند و استدلال ایشان روایات است

روایت اول : عن محمد بن أبي عمير، عمن رواه، عن أبي عبد الله عليه السلام في عجین عجن وخبز، ثم علم أن الماء كانت فيه ميتة؟ قال: لا بأس أكلت النار ما فيه. از امام سوال شد که خمیر بعد از خمیر شده نان شده آنگاه علم پیدا کرد که این خمیر از ابی بوده که در آن اب مردار بوده تکلیف ما چیست نان را بخوریم یا نه؟ قال علیه السلام لا بأس اکلت النار ما فیه وسائل الشیعه باب ۱۴ از ابواب آب مطلق ح ۱۸

روایت دوم :ما رواه زبیری عن البئر یقع فیه فأرة او غیره من الرواب فتموت فیعجن من ماءها ، درباره چاه سوال کرد که موش یا غیر آن در درون چاه افتاده و مرده حال از اب چاه خمیر درست شد ایا از آن خمیر نان خورده می شود ؟ حضرت فرمودند اگر به این نان اتش برسد خوردن آن اشکالی ندارد وسائل الشیعه ج ۱۴ ابواب آب مطلق ح ۱۷

روایت سوم : و روی عبد الکریم عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال فی بئر استسقسی منها فتوضأ به .... عبد الکریم از امام نقل کرد که حضرت فرمودند چاهی که از آن اب گرفته می شود .و با ان وضو می گیرند و لباس می شویند و خمیر درست می کنند و .... امام فرمودند وضویش باطل نیست و لباس را نباید دوباره بشوید و نیازی به اعاده نماز نیست

اولا :روایت سوم راویش عبد الکریم بن عَمر کوفی است مرحوم شیخ در فهرست ایشان را از اصحاب امام صادق علیه السلام می داند ولی علامه حلی در خلاصة الرجال ایشان را واقفی ذهب دانسته که شیعه ۷ امامی است پس از نظر سند ضعیف است

اما روایات دوم روایت زبیری است که مجهول است و اصحاب امامیه از ایشان اعراض کرده اند و فتوا نمی دهند

اما روایات اول که مرسله است اما مرسله ابن ابی عمیر حجت است

ثانیا : روایت ابن ابی عمیر دلالت بر پاک شدن خمیر ندارد به طوری که آتش خمیر را پاک کند چون امام تعبیر به اکل فرمودند و در بحث سابق گذشت که آتش از مطهرات نیست و مطهریت اتش از جهت استحاله هست چون موضوع و حقیقت نوعیه را عوض می کند اما در اینجا حقیقت نوعیه نان عوض نشد بلکه وصفش عوض شد و موضوع تغییر نکرد و منظور امام علیه السلام از اکلت النار این است که این خمیری که از اب چاهی بوده که درون آن میته بود ضرری به بدن نمی زند و آتش ویروس اب را از بین برده پس در این حدیث ندارد آرد نجس بوده یا آرد نجس شده لذا مرحوم شیخ در کتاب اطعمه نهایه فتوا داده که خوردن نان پخته شده به آرد نجس جایز نیست پس از نظر ایشان معلوم نیست که حکم به پاکی نان نجس بدهد بعد می گوید که و قد رُویت رخصة جواز اکله ..... بله روایت شده که اکل این نان جایز است و اتش آن را پاک کرده بعد می گوید و الاحوط ما قدمناه که خور دن این نان جایز نیست

برای این دسته روایات توجیهاتی دیگر هست :

توجیه اول : از شیخ در استبصار که روایاتی که اجازه اکل نان خمیر نجس را می دهند به خاطر این است که این خمیر از آب چاه بوده و آب چاه با مردن یک موش که نجس نمی شود چون منبع دارد فقط باید نزع شود

توجیه دوم : روایات دسته اول را حمل بر کراهت کنید یعنی بیع نان نجس حتی به یهودی و نصرانی مکروه است و عمل به این روایات بشود که نان را پاک می داند

توجیه سوم : منظور از اکل نان از بین بردن قذارتی است که در این نان احتمالا واقع شده و اشاره به مراتب نجاست است مثلا اشاره دارد به اینکه این نان با آبی پخته شده که احتمال میدهیم این اب آلوده باشد و ضرر برای بدن داشته باشد و باید نزع شود اما به نظر ما تمام این توجیهات مخالف با اجماع است چون اجماع بر نجاست نان مذکور است